

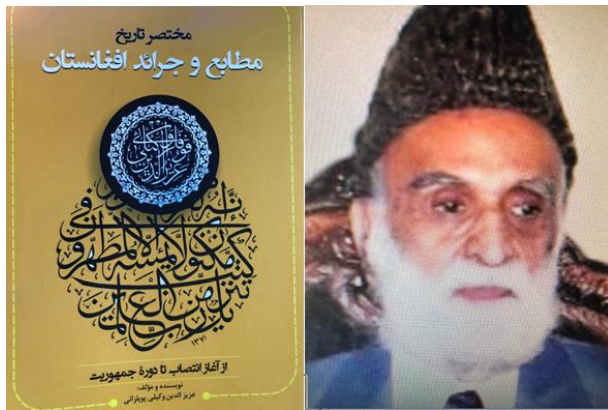


۲۰۲۲ / ۱۱ / ۱۸

کاندید اکادمیسین سیستانی

**معرفی کتاب «تاریخ جراید و مطابع افغانستان از آغاز تا دوره جمهوریت»**

نویسنده: عزیزالدین وکیلی پوپلزائی



مشخصات کتاب :

تعداد صفحات: ۷۸۲

قطع کتاب: وزیری - کاغذ اعلی

ناشر: اکادمی علوم افغانستان

سال چاپ: ۱۳۹۷ ش، مطبعه بهیر

یک نسخه از این کاب پرارزش را عبیدالله وکیلی پوپلزائی پسر مولف مرحوم پوپلزائی با دو کتاب دیگر از مولفات پدر را بوسیله پوست از هنگری برایم به سویدن فرستادند که بدینوسیله از ایشان تشکر میکنم.

**۱- مطبعه:**

مطبعه یعنی دستگاه طبع و چاپ جراید و روزنامه و مجله و رساله و کتاب و اعلامیه ها و اطلاعیه ها و قوانین و لوایح دولتی و محل چاپ اوراق بهادار (صکوک) و بانک نوتها و همچنان جایگاه چاپ آثار مولفان و نویسندگان و ادیبان و شاعران و مترجمان و هنرمندان و غیره. پس مطبعه نقش مهمی در آگاهی و اطلاع رسانی و استحکام روابط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی یک جامعه دارد. بنابراین فهمیدن اینکه در کشور ما مطبعه کی و از کجا و توسط چه کسانی وارد شده و شروع به کار کرده اند، برای مردم و جوانان کشور یک ضرورت است و این ضرورت توسط مرحوم عزیزالدین وکیلی پوپلزائی خطاط مشهور کشور بخوبی رفع شده است. بخاطر این خدمت مهم فرهنگی روحش را شاد و یادش را گرامی میخوانیم!

**۲- اعطای یک خریطه طلا به کارگران مطبعه :**

با مطالعه این کتاب، برای اولین بار دانستم که شاه امان الله کارگران مطبعه دولتی را که در چاپ عاجل اعلامیه سلطنت امان الله خان و استقلال افغانستان از خود حسن خدمت نشان داده بودند با عطای یک خریطه طلا به کارگران مطبعه مورد نوازش و تقدیر قرار داده است.

پوپلزائی میگوید: امان الله خان در بعد از ظهر (۲ حوت ۱۲۹۷) متن اعلامیه سلطنت خود و استقلال کشور را نوشت و بدست نظام الدین خان (پدر پوپلزائی، ناظم دفتر شهزاده امان الله) داد تا به تیراژ ۲۵۰۰ نسخه چاپ و به قشله های عسکری و عنوانی حکام و لایات فرستاده شود. نظام الدین خان همان روز مسوده اعلامیه سلطنت امان الله خان را تحت عنوان [اشتهار واجب الاظهار] به مطبعه دولتی برد و با همکاری میرزا جعفر خان قندهاری و مرتبین حروف چینی ماشینخانه آنرا همان شب ترتیب و طبع و صحافت نموده آماده توزیع کردند.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

نظام الدین خان از تلاش صادقانه کارگران مطبعه در چاپ اعلامیه سلطنت نزد امان الله خان اظهار رضایت کرد و امان الله خان هم یک خریطه طلا را به نظام الدین خان داد تا شخصاً به کارگران مطبعه توزیع کند. صبح روز یکشنبه ۴ حوت نظام الدین خان با خریطه طلا به مطبعه رفت و با حضور هیات سرخریطه طلا را باز نمود و بشمرده و بعد به همه کارگران مطابق خدمت شان طلا تقسیم نمود و به مهتم دستورداد تا امضای کسانی را که طلا گرفته اند گرفته به دارالتحریر شاهی بفرستد. بقول نظام الدین خان اولین خدمت طباعتی و اولین انعام طلا در راه استقلال افغانستان همین طبع اشتهار در مطبعه حروفی ماشینخانه بود. (ص ۹۶-۹۷)

### ۳- شمس النهار:

با مروری بر این کتاب، برای اولین بار دانستم که امیر شیرعلی خان مطبعه شمس النهار را هنگام سفر خود به هند در سال ۱۸۷۳ در بدل یک قطعه الماسی که از پدرش به او رسیده بود، و او آن را به یکی از مقامات هند برتانوی داده بود، در هند خریداری و به کابل انتقال داد و بوسیله کارگران ماهر هندوستانی که امیر شیرعلی خان آنها را استخدام کرده بود، در بالاحصار کابل نصب نمود و جریده شمس النهار را توسط همین مطبعه چاپ کرد. این مطبعه بنام مطبعه مصطفائی شهرت داشت و در حوادث جنگ دوم افغان و انگلیس در سالهای ۱۸۷۸ و ۱۸۷۹ از میان رفت. [ص ۱۰-۱۲]

### ۴- اساس القضاة:

با مرور بر این کتاب برای اولین بار مطلع شدم که: پس از جنگ دوم افغان و انگلیس، اولین رساله ای که در «مطبعه دارالسلطنه کابل» در سال ۱۸۸۵ چاپ رسید: «اساس القضاة» نام داشت و رساله دومی «دستور العمل حکام و ضباط» نام داشت و هر دو تالیف ملا احمد جان قندهاری بودند. (ص ۲۱) مولوی احمد جان قندهاری از شخصیت‌های آگاه در امور مالیاتی نیز بوده است، زیرا در سال ۱۳۰۱ ش درباره مالیات و چگونگی تحصیل و جمع آوری بدستور دولت کتابی بنام قانون نامه مالیات تالیف کرد و در مطبعه سنگی کابل بچاپ رسانید. در سال ۱۳۰۲ که برای بار دوم دستگاه طباعت سنگ از دهلی وارد کابل و بکار اگار کرد دولت حکم صادر کرد تا باج و خراج و مالیات‌ها مطابق احکام شرعی اخذ گردد نه بیشتر از آن. بنابراین مولوی احمد جان قندهاری اثر جدید را از روی متون و اسناد و ارقام قدیم تلخیص و اقتباس و تدوین و چاپ کرد. این رساله شامل ۶۳ ماده بود و بحدیث اولین قانون مالیات در افغانستان شناخته میشود. (ص ۲۸۷)

### ۵- مطبعه دارالسلطنه کابل:

بمطالعه این کتاب، برای اولین بار آگاه شدم که امیر عبدالرحمن خان مطبعه دارالسلطنه کابل را خریداری و به افغانستان وارد کرد. گفته میشود امیر پس از آنکه در سال ۱۸۸۴ (۱۲۶۳ ش) به راولپندی سفر کرد، در صد خرید مطبعه افتاد. بزودی به امیر اطلاع دادند که میرزا عبدالرزاق بیگ چغتائی میخواهد مطبعه مکمل خود را بفروشد. امیر بلا درنگ مالک مطبعه را فراخواند و مطبعه او را که دارای سامان و لوازم مکمل چاپ بود با قیمت گزاف خریداری کرد و به کابل انتقال داد و مطبعه را در سرای مادر سردار شیرعلی خان قندهاری [متصل گذر دیوان بیگی] نصب کردند که در اول بنام مطبعه دولتی یاد میشد و بعد از آنکه مطبعه را در محل ماشین خانه کنار دریای کابل نصب کردند بنام «مطبعه دارالسلطنه کابل» مسما نمودند. (ص ۱۶-۱۷)

### ۶- اولین کارگران مطبعه دولتی کابل:

امیر عبدالرحمن هنگام خریداری مطبعه از هند، میدانست که افراد ماهر در فن طباعت در افغانستان وجود ندارد، بنابراین باید همراه با مطبعه اشخاص فنی را نیز از هند استخدام کند و با خود به افغانستان ببرد، بنابراین امیر به میرزا عبدالرزاق مالک مطبعه چغتائی گفت: «تدویر مطبعه بدون کارپردازان ماهر و کاپی نویسان آزموده

وورزیده صورت گرفته نمیتواند، بنابراین به کسانی که در فن استکتاب با اصول لیتوگرافی (کاپی نویسی چاپ سنگی) و هم ماشین کاری مهارت داشته باشند، معرفی دارند تا با معاش کافی استخدام نمائیم. و اگر خیال اقامت و خدمت دایمی در افغانستان داشته باشند محل اقامت نیز به اوشان خواهیم بخشید.» میرزا عبدالرزاق بیگ چون لطف و شفقت امیر را نسبت بخود احساس نمود، باخوشی گفت: اگر امر استخدام عنایت فرمایند من با دو پسر عبد الرحمن بیگ و عبد الرحیم بیگ و دو نفر استاد ماشین کار بنامهای افسر علی و ابرار علی شامل خدمت

افغانستان خواهند گردید. امیر با خوشحالی پذیرفت و هر پنج نفر را با معاش بلند استخدام نمود و یکجا با مطبعه به کابل انتقال یافتند و به نصب مطبعه در سرای سردار شیر علیخان قندهاری در شور بازار کابل پرداختند.

پوپلزائی میگوید که: عبد الرحمن بیگ پسر میرزا عبدالرزاق بیگ چغتائی شخص خوشنویس و هم در فن عکاسی و ترجمانی از زبانهای انگلیسی و اردو دسترسی کامل داشت و حاجی میر باقر لکنهوی و حافظ منشی حیدر علی خوشنویس و افسر علی و ابرار علی ماشین کاران ماهری بودند که تادم مرگ در مطبعه کابل کار کردند. مولف می افزاید که وقتی عبدالرزاق چغتائی وفات نمود، دولت معاش ماهوار او را که وجه کافی بود قطع نکرد و به خانواده او میداد. امیر عبد الرحمن خان در تاج التواریخ در حق او نوشته است: «... شخصی که بجهت احداث نمودن مطبع در کابل قابل تمجید بود مرحوم منشی عبدالرزاق بیگ هندی از اهالی دهلی بود. مشارالیه بمرض نوبه وفات یافت، و محض پاداش خدمات او موجب او را بدون کم و کسر به بازماندگانش میدهم.» (ص ۱۹، ۱۸)

#### ۷- مهمتم:

با مطالعه این کتاب، دانستم که در عهد امیر عبد الرحمن خان سرپرستان مطبعه و داک خانه را بنام مهمتم یاد میکردند و اولین مهمتم مطبعه عهد امیر شیر علیخان حاجی حسن خان بود که بعد مهمتم داگ خانه پشاور تعیین گردید. مهمتم مطبعه دار لسلطنه کابل ابتدا میر محمد عظیم سارجن و پس از او گل محمد خان (برادر بزرگ محمود طرزی) بود. بعد از او، عبد الخالق خان طرزی مهمتم مطبعه مقرر شد. محمد اسلم صیغانی مهمتم مطبعه صکوک بود و امیر محمد خان شاغاسی مهمتم تمام داک خانه ها بود. منشی محمد نذیر خان مهمتم تعمیرات کابل بود. (ص ۲۵-۲۶)

#### ۸- چاپ بانکنوت کابلی:

با مطالعه این کتاب، فهمیدم که برای نخستین بار پول کاغذی در عصر اعلیحضرت امان الله خان پس از استرداد استقلال کشور در سالهای ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ در مطبعه صکوک چاپ و به چلش افتاده است. بگفته پوپلزائی، هدف چنان بود تا اول نام افغانستان مستقل را بوسیله نشر و ترویج هرگونه مسکوک در جهان معرفی نماید و دوم سهولتی در کار حمل خزاین و آشنا کردن مردم به اصول داد و ستد عصری رویکار آید. بنابراین دولت افغانستان به اتفاق نظر اعضای مجلس فیصله نمود که امور فنی نوت های افغانی توسط خود ارباب فن داخلی و کارمندان مختص در مطبعه ماشینخانه عمومی کابل بعمل آید و نخست بصورت امتحانی نوت های مخصوص مصارف عمرانات کابل ساخته شود. به این منظور رضا بیگ خان مهندس [ترکی] را که در امور تخنیک و تحلیل نقره و ساختن باروت سفید و فیوس و اقسام بازیها و ترکیب مواد احتراقیه تخصص داشت مامور نمود که وظیفه سرپرستی طبع نوتها را نیز بر ذمه گیرد. وزیر نظر محمود خان ناظر مالیه، این وظایف جدید را انجام دهد. مهندس مذکور بهمدستی و همکاری ماهرین افغانی، در خلال سال ۱۹۹۸ ش این مامول را به انجام رسانید و چون عجله بکار رفته بود، این نوتها در سال ۱۲۹۹ تجدید گردید، زیرا که کاغذ مخصوص بانکنوت در سال ۱۲۹۸ به اندازه کافی در کشور پیدا نمیشد. این مطلب در صفحات ۳۰۳ و ۳۰۴ همین کتاب به تکرار آمده و تذکر رفته است که در سال ۱۲۹۸ کاغذ اعلی مخصوص طبع نوت دستیاب نمیشد و انتظار میرفت که از خریداری های هیات اعزامی افغانی بکابل به آینده قریب برسد. و اما وصول آن تا سال ۱۳۰۳ ش ممکن

د پایو شمیره: له ۳ تر ۶

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

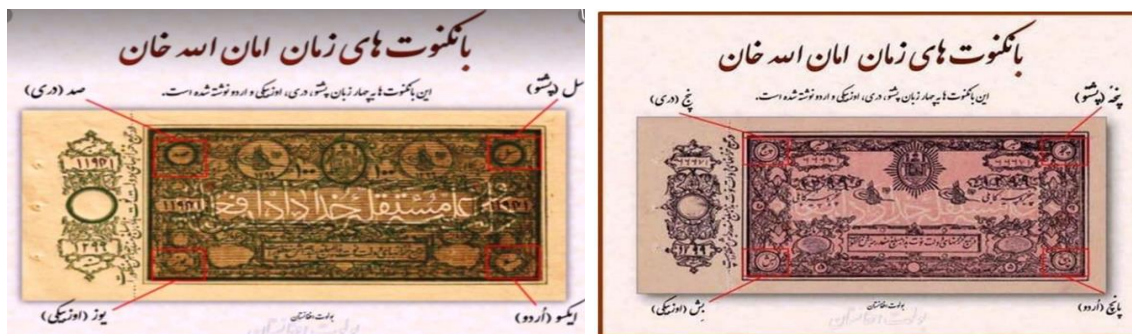
دیده نمیشد. چون برای تعمیرات شهر جدید دارالامان و پغمان و غیره و تأسیس فابریکه های جدید و رودمستخدمین خارجی مدنظر بود. و بعد از این اعضای سفارت خانه های خارج که عنقریب یکی بعد دیگری وارد کابل میشوند، مقدار ارزش نوت افغانی را به لسان خارجی دانسته بتوانند، لذا باید اعداد و عبارات متن نوت به زبان انگلیسی و فرانسوی و زبان پشتو و دری واردونیز تحریر گردد. در نوت های سال ۱۲۹۸ مطبوعه کابل، جملات یک روپیه کابلی، پنج روپیه کابلی، و ده روپیه کابلی، و پنجاه روپیه کابلی، و در تون کاغذ عبارت: [دولت علیه مستقلة خداداد افغانستان] نوشته شد. نوتها به مهر میرزا محمودخان ناظر [وزیر مالیه بن احمدخان پوپلزائی] و غلام حیدرخان جرنیل ملکی خزاین اعتبار داده شد. نوت های طبع سال ۱۲۹۸ تا روز شنبه ۳۰ حوت سال مذکور مطابق ۲۰ مارچ ۱۹۲۰ ع، از عمل طبع و صحافت و حساب کاملاً فراغت یافته آماده نشر و توزیع گردید. و تاریخ توزیع و استفاده از آن یک شنبه اول حمل سال ۱۲۹۹ ش، مطابق ۲۱ مارچ ۱۹۲۰ است. و جهت اطلاع عامه اشتهازی از حضور عالیحضرت امان الله خان بدین مضمون نشر شد: «چون منظور حضور شاهانه ام همواره بر فراهیت و بهبودی رعایای فهمیده دولت مستقلة افغانستان بوده و میباشد، لهذا از حضور پادشاهانه ام جهت کارروائی و وسعت امور تجارت و معاملات داخلی دولت علیه مستقلة افغانستان تجویز نوت را فرموده ایم که یک روپیه گی، پنج روپیه گی، بیست و پنج روپیه گی، پنجاه روپیه گی، یکصد روپیه گی باشد. و نوت های مذکور به نگرانی عالیجاه عزت و صداقت ستور نشان خدمت نشان رضاییگ خان مهندس درماشینخانه دولت علیه افغانستان اجرا یافته بعد از نگرانی و امتحان مهندس موصوف، مهرهای عالیقدر جلالت مآب میرزا محمودخان ناظر مالیات و عالیجاه صداقت و شجاعت همراه غلام حیدرخان جرنیل خزانه که مخصوص برای نوت ساخته شده، میشود، لهذا بر عموم خدمتکاران و رعایای داخله دولت علیه مستقلة امر و احکام میفرماییم که نوت های مذکور را مانند دیگر نفود مروج داخل دولت مستقلة دانسته اگر کسی عوض محصولات تجارت و باقیات معاملات سرکاری از نوت های مزبور تحویل خزانه ها بنمایند عوض ذمه گی شان خزانه دارها تسلیم شده رسید بدهند و اشخاص تنخواه خوار و معامله دار داخلی دولت علیه که از قسم نوت های فوق بخزانه ها آورده درخواست مبلغ مندرجه آنرا بکنند، خزانه دارها گرفته ادای وجه مندرج نوت مذکور را بنمایند. لیکن در خارج دولت علیه که قسم نوت های مذکور برای معامله دارها و تاجران و کرایه کشان رعایای دولت مستقلة بدهند تا اجازه ثانی قبول کرده نشود.» (ص ۱۳۳-۳۰۴)

از آنجائی که هنوز کاغذ مقاوم و مناسب بانکنوت در افغانستان میسر نبود، نوت های قابل چلند سال ۱۲۹۸ در مدت یک سال فرسوده و غیر قابل استفاده گردید، و شاه امان الله با صدور فرمانی بانکنوت های ۱۲۹۸ را از چلند خارج ساخت. متن فرمان: «بر رعای صادقاته شاهانه ام اعلام میشود: نوت های افغانیه سال گذشته دولت متبوعه مقدسه خودتان را بخزانه جات دارالسلطنه و اطراف ولایات تحویل کرده وجه مندرجه آنرا نقد بگیریید و معیاد مذکورالی اول حمله سنه ۱۳۰۰ میباشد که هر شخص نوت های خود را برده وجه نقد از خزانه جات بگیرد. بعد از نوروز خرید و فروش نوت ۱۲۹۸ گذشته ممنوع و بخزانه جات گرفته نمیشود. در سنه آینده نوت جدید اجراء خواهد یافت. انشاء الله تعالی. این حکم را بدو واسطه نمودیم: اول- که نوت های سابقه فرسوده و خراب شده، دوم سبب اعتبار نوت.» (ص ۱۳۵، ۳۰۵)

بقول پوپلزائی، از آغاز سال ۱۳۰۰ ش، نوت های چاپ ۱۲۹۹ به دوران افتاد. و ماشین های جدید طبع اوراق بهادار در سال ۱۳۰۳ به کابل مواصلت کرد و بنام شرکت رفیق بکار آغاز نمود. چون محل مطبوعه جدید ضیق بود شاه اتاق خواب پدر خود واقع در نزدیکی برج شمال غربی ارگ را برای مطبوعه صکوک داد و صوفی عبدالحمید خان فرزند نصرالله خان بارکزائی رابحیث رئیس مطبوعه صکوک مقرر نمود تا به همکاری دیگر ماهرین افغان نوتها را بادت خود ترسیم و در مطبوعه جدید بچاپ برساند. (صص ۱۳۶، ۳۰۶)

پوپلزائی یادآور میشود که در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ ش یک گروه تحریک شده در افغانستان آوازه پخش کردند که نشر بانکنوت در افغانستان خلاف اصول اسلام است. این شایعات سبب گردید تا توقیفی در ورود ماشین ها و تأسیسات جدید بخصوص چاپ بانکنوتها رخ بدهد. بعد از رفع این پروپاگندها که با شورش خوست همزمان شده بود، حکومت در سال ۱۳۰۵ ش توانست دوباره با کیفیت بهتری به چاپ بانک نوتها بپردازد. در این دوره

امضاء میر محمد هاشم خان وزیر مالیه (ابن میر عبدالعزیز خان کابلی) در صفحات نوتها درج شده بود. محمد سرور خان بارکزائی خزانه دار ریاست مطبعه صکوک، بعد از طبع بانکونتها، همه را مهر کرده در برج شمالی ارگ که خزانه در آنجا واقع بود می سپرد. (ص ۳۰۸)



پوپلزائی مینویسد که یکی از شهرکار هنرنقاشی صوفی عبدالحمید خان [رئیس مطبعه صکوک] همین ساختمان نوتهای سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ ش است. طغرای اسم امان الله شاه اثر حسن حلمی مرحوم و نوشته های متن، اثر قلم سید محمدایشان خان وسید داودخان است. در متن نگاشته شده است که [دولت علیه افغانستان- داکاغذیه تولوخزانوکی په (... چلییری] و در پشت ورق نوت بعبارت دری، تحت عنوان [ورقه تعهد] نوشته است: [دارلضربه ملیه افغانیه وعده تادیه مبلغ (... افغانی را بحامل کاغذ هذا عندالمطالبه میدهد] و برحروف فرانسوی نیز ترجمه عبارت متن را می نگاشتند و نیز تونهای خفیف بکار برده نمره ها را با مهارت طباعتی درج مینمودند. (ص ۳۰۹)

#### ۹- اولین کارکنان مطبعه صکوک:

مرحوم پوپلزائی، رئیس و اعضای فنی دایمی مطبعه صکوک و بانکوت ها را چنین معرفی میکند:

۱- صوفی عبدالحمید خان رئیس، ۲- سید محمدایشان خطاط، ۳- سید محمد داود خطاط، ۴- سید ابوبکر زینگو گرافر، ۵- صوفی عبدالغنی زینگو گرافر، ۶- داد محمد زینگو گرافر، ۷- عبدالوهاب زینگو گرافر، ۸- محمد امان زینگو گرافر، ۹- فقیر احمد باشی طباعتی [نگران چاپ و سرمایشین کار]، ۱۰- قلندر شاه معاون باشی طباعتی، ۱۲- گل محمد ماشین کار، ۱۳- غوث الدین ماشین کار، ۱۴- شیر محمد ماشین کار، ۱۵- عبدالحمید ماشین کار، ۱۶- شاه محمد ماشین کار، ۱۷- احمد علی مامور نمره صکوک، ۱۸- غلام حیدر صحاف، ۱۹- عبداللیف صحاف،

#### هیات نظارت و مراقبت طبع بانکوت در مطبعه صکوک

۱- میرزا غلام قادر خان، ۲- سردار غلام رسول خان، ۳- میرزا عظیم الدین خان، ۴- باز محمد خان [مهر مخصوص نوتها در اختیار این شخص بود]، ۵- محمد سرور خان بارکزائی خزانه دار.

اشخاص فوق الذکر از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ در طول سه سال اخیر سلطنت شاه امان الله در طبع و اداره و مراقبت نوت و صکوک پیوسته خدمت کردند. « (صص ۱۳۷، ۳۰۷)

#### ۱۰- سراج التواریخ:

با مطالعه این کتاب، برای اولین بار مطلع شدم که امیر حبیب الله خان بابر ادراسته اش سردار نصرالله خان در عهد حیات پدر تصمیم داشتند تا تاریخ خاندان محمدزائی را از زمان حاجی جمالخان و پسرش سردار پاینده خان تا عهد خودشان بنویسند. همین تصمیم دوبرادر سبب نگارش سراج التواریخ بوسیله فیض محمدکاتب

د پایو شمیره: له ۵ تر ۶

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

گردید. امیرحبيب الله خان اولين اميری در افغانستان بوده که مطالب سراج التواریخ را بعد از تدقیق هیات موظف، خودش میدید و هر صفحه و هر سطر آن را بدقت چک میکرد و بعد برای ثبت تاریخ به ملا فیض محمدکاتب میداده است تا درج کتاب نماید. و حتی هنگام چاپ آن آخرین پروف سراج التواریخ را خودش میخواند و بعد از ملاحظه او بچاپ سپرده میشد. (ص ۲۶۸-۲۷۰)

#### ۱۱- اداره شاذ و نادر [موزه ملی]:

با مطالعه این کتاب برای من معلوم گردید که: امیرحبيب الله خان علاوه بر کتابخانه بیت العلوم حبیبیه، یک اداره عالی بنام «شاذ و نادر» بشکل موزیم و آرشیف و کتابخانه خاص نیز ترتیب داده بود و آثار کمیاب و نفیس و حیرت آور را در آنجا نگهداری میکرد و بعضی اوقات آنها را در در قصر باغ بالا و یا باغ بابر شاه و یا برج شمالی ارگ و داخل حرمسرا و غیره اتاقها و سالونهاى مجلل، قطعات نفیس و بعضی کتابها را به نمایش میگذاشت. سرمنتظم اداره «شاذ و نادر»، نظام الدین خان (پدر وکیلی پوپلزائی، پسرمامای علیاحضرت سراج الخواتین) بود. امیر همه وقتها میگفت: «امتعه این اداره عالییه حیات من است.» یعنی عظمت و حیثیت تاریخی افغانستان به آن وابسته است. چراکه مفاخر درجه اول معنوی و مادی سرزمین افغانی در اداره عالییه شاذ و نادر فراهم آورده شده است و موجودیت همین اداره و کتابخانه حضورانروالا بود که بعد از سنه ۱۲۹۸ ش موزه کابل را تشکیل داد.» (ص ۵۸۰)

#### خلاصه:

خلاصه بایدگفت که با مطالعه این کتاب میتوان با انواع و اقسام مطابع دولتی و شخصی در دوران سراجیه و امانیه و ظاهرشاهی و عهد جمهوریت و با فعالیت هریک از مطابع آشنائی حاصل نمود. همچنان میتوان از وجود تعداد زیادی از جراید و روزنامه ها و مجلات در مرکز و ولایت کشور آگاهی حاصل کرد. کتاب مورد بحث ما، گنجینه بزرگ و گرابهایی از مسایل مربوط به طبع و چاپ آثار مختلف علمی و قوانین و نظامنامه ها و روزنامه های شخصی و دولتی است که نظیر آن را تا کنون مثل من اکثر افغانها ندیده باشند. بنابراین داشتن یک نسخه از این کتاب برای اهالی کتابخوان و کتابدار از ضروریات است.

روح عزیزالدین وکیلی پوپلزائی تاریخ نویس و شاعر تعمیه گوی و هنرمند مشهور در هنر انواع خط و خطاطی کشور شاذ و یادش گرامی باد! ختم